

اول شخص مفرد

جشنواره جشنواره‌ها



فریدون جیرانی

جشنواره هشتم، یکی از مهم‌ترین ادوار برگزاری فیلم فجر است؛ دوره‌ای که روشنفکری ایران مرجعیتش را با توجه به اتفاقاتی که در اتحاد جماهیر شوروی رخ می‌دهد، تغییر می‌دهد و در واقع روشنفکری ایران از چپ می‌برد. در «هامون» می‌توانید رهاشدن مهر جویی را از جریان چپ ببینید. این دوره، فیلم مهم «دندان مار» را داریم که بهترین کیمیایی بعد از انقلاب است. همینطور «مادر» علی حاتمی. در دوره هشتم زن در سینمای ایران معنا پیدا می‌کند. زن‌های جشنواره هشتم فوق‌العاده‌اند. کاراکتر زیور در «دندان مار» را به خاطر بیاورید. زیور بهترین کاراکتر زن فیلم‌های کیمیایی است. یک زن پایین شهری فوق‌العاده بازی درخشان خانم گلچهره سجادیه. در «هامون» کاراکتر مهشید، زن مدرنی است که تماشاگر از او بدش نمی‌آید و این نکته مهمی است.

داوران جشنواره هشتم زیادی شایسته «هامون» شدند و بیشتر جوایز جشنواره را به این فیلم دادند. توجه بیش از حد داوران به «هامون» باعث شد فیلم‌های شاخص دیگری که در این دوره بودند و شاید بشود گفت در این دوره بیشتر از هر دوره دیگری فیلم شاخص داشتیم، در سایه قرار بگیرند. البته که «هامون» فیلم فوق‌العاده و جریان‌سازی در تاریخ سینمای ایران است؛ هر چند زمان جشنواره هشتم، ما خیلی از «هامون» خوشمان نیامد. به تعبیر دقیق‌تر مثل داوران شیفته‌اش نشدیم. اغلب نقدهای دوره جشنواره درباره فیلم هم لحن منفی داشتند. «مادر» علی حاتمی هم زمان جشنواره از طرف منتقدان تحویل گرفته نشد. همینطور فیلم درخشان عباس کیارستمی، «کلوزآپ» که در فضای جشنواره هشتم، مورد توجه قرار گرفت و ارزش هایش بعدها کشف شد. آن موقع یادم است که طولانی بودن فیلم اذیت‌مان کرد. کیارستمی بعد از نمایش جشنواره، فیلمش را چند دقیقه‌ای کوتاه کرد و این نسخه کوتاه شده بود که به جشنواره‌های جهانی رفت. در حال و هوای جشنواره هشتم، «کلوزآپ» فیلم دلچسبی بر ایمن نبود. تحلیل و قضاوت امروز، می‌گوید فیلم کیارستمی شاهکار است. آدمی که از طبقه پایین می‌آید، هویت طبقه متوسط را جعل می‌کند و لذت می‌برد از بازی دادن یک آدم سرمایه‌دار و سرکار گذاشتنش. فاصله طبقاتی و تقابل طبقاتی به شکل زیبایی در فیلم نمود پیدا می‌کند. تحلیل امروز این است که سینمای روشنفکری پس از انقلاب با «کلوزآپ» هویت پیدا می‌کند. زمان جشنواره هشتم، فیلم محبوب من «دندان مار» بود. باز گشت قدرتمندانه کیمیایی به جنوب شهر؛ با همه مایه‌های آشنای کیمیایی‌وار. نخستین فیلم بعد از انقلاب که قهرمانانش قانون‌گریز هستند. رضا و احمد در «دندان مار» به‌عنوان شخصیت‌های آرمانی کیمیایی، قانون‌گریز هستند. در حالی که قبل از «دندان مار»، فقط شخصیت‌های منفی فیلمی‌ها قانون‌گریز بودند. «دندان مار» از نظر نگاه اجتماعی و تصویر جامعه، سند بسیار مهمی از یک دوره تاریخی است. فیلمی که هنوز هم درخشان و پر نکته است و داوران جشنواره هشتم از کنارش عبور کردند. برعکس منتقدان که اغلب عاشق «دندان مار» شده بودند.

دیگر فیلم مهم این دوره که جایزه بهترین فیلم را هم گرفت، «مهاجر» حاتمی‌کیا بود. نقطه عطفی در سینمای دفاع مقدس که خیلی ما را تحت تأثیر قرار داد. یادم است که بعد از دیدن «مهاجر»، با غلامرضا موسوی، حاتمی‌کیا را دیدیم و به او تبریک گفتیم. «مهاجر» در کنار «به رنگ ارغوان» بهترین فیلم‌های حاتمی‌کیا هستند. حاتمی‌کیا در «مهاجر» همان حرف «عروسی خوبان» را می‌زند ولی لحنش مثل فیلم مخملباف تند نیست. فیلم مرئی‌ای است بر نسلی که روزگارش در حال سپری شدن است. نکته کلیدی «مهاجر» همین نکته است. نکته مهم دوره هشتم این است که همه فیلمسازان، فیلم خودشان را ساخته‌اند و با بهترین‌هایشان به جشنواره آمده‌اند. جز «ای ایران» ناصر تقوایی که انتظارات را برآورده نکرد. کیمیایی، مهر جویی، حاتمی، حاتمی‌کیا، رئیس‌یان و... با بهترین‌هایشان به دوره هشتم آمده بودند.



چند فریم مکتوب از احوالات جشنواره چهل و دوم

تمساح و تابستان، برف و خون

مسعود میر

طولانی و بازیگر رفیق بی دلیل هم دارد که مفید و در خدمت فیلم از آب در نیامده است.

عزتی می‌تواند با تمساح خونی‌اش، چراغ اکران را سو دهد و این مهم در یکه تازی کمدی‌های سخیف و فسیلی، یک اتفاق خوب است.

فیلم آقای کلاری یک حدیث نفس خوش لعاب است که یک بازیگر کودک محشر، یک مادر بزرگ درجه یک و یک جوان اول حیرت‌انگیز دارد. به اینها اضافه کنید ده‌ها پلان دلنشین که جزئی از معجزات خاندان کلاری در رنگ و نور به شمار می‌آید.

حسرت‌هایی که فیلم به دل‌مان می‌گذارد اما کم نیست. اینکه کاش داوود با بازی علی شادمان که اینقدر خوب از آب در آمده بود ناگهان با یک خط نریشن، تیزر از آب در نمی‌آمد.

کاش سرخوشی آن تنگ‌قلبان و هندوانه شیرین و پالوده یخ مال به اجرای قصه فیلم هم سرایت کرده بود؛ شیرازی‌ها اینقدر بی‌قصه نبودند و شوهر کلاش فکل کراواتی با یک نما به نقش منفی رذل آن‌هم با بازی همیشه افتضاح باز بگرش، بدل نمی‌شد.

اصلاً کاش قصه کودتا و حمله به فیلم تحمیل نمی‌شد و در یک جمله اسم فیلم تابستان همان سال نبود.

برف‌ها از روی خورشید بی‌رمق خجالت می‌کشند و عرق می‌ریزند. هنوز جشنواره به نیمه نرسیده و هنوز امید به راه صعب و مطلوب با ماست...



توضیح وزیر ارشد درباره حواشی فیلم بی بدن

نسخه ۴ دقیقه‌ای تحویل دفتر جشنواره داده شده بود

روزی که این فیلم در مرحله انتخاب بوده دوستان ما بیش از ۴۰ دقیقه از فیلم را دیدند و نتوانسته بودند جمع بندی کنند. البته فیلم، فیلم خوبی بود و باید از عوامل و بازیگران تشکر کرد و الان هم امیدواریم مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد. وی در باره حضور هنرمندانی که نتوانستند در نشست خبری «بی بدن» حضور یابند در پاسخ به اینکه آیا در اختتامیه حضور خواهند داشت؟ توضیح داد: دعوت صورت خواهد گرفت اما به هر حال بعضی می‌آیند بعضی هم ممکن است نیایند. ما جشنواره را متعلق به همه هنرمندان می‌دانیم، جشنواره مال هنرمندان است و خودشان صاحب جشنواره هستند و میزبان هستند. آن شالله هنرمندان فرصت داشته باشند حضور پیدا کنند؛ سالن به اندازه همه هنرمندان جای دارد.

(اشاره غیر مستقیم به اعتراض الناز شاکردوست) ضمن عذر خواهی از بروز این حواشی در توضیحاتی گفت: اگر برای هر کسی این اتفاق افتاده من از اینجا عذر خواهی می‌کنم. بلافاصله به همکاران گفتم که اگر خدای نکرده ناهماهنگی‌هایی شده جبران کنند. این حواشی به دلیل ناهماهنگی‌هایی بوده که حل شده و تکرار نخواهد شد. وی در پاسخ به اینکه فیلم «بی بدن» عنوان می‌شود به دلیل نداشتن کیفیت لازم از بخش سودای سیمیرغ حذف شده است؟ توضیح داد: آن

یکی از فیلم‌هایی که پیش از شروع جشنواره حرف و حدیث‌های زیادی درباره‌اش به راه افتاد، «بی بدن» بود. راه‌نیافتن این فیلم به بخش سودای سیمیرغ حاشیه روزهای پیش از آغاز جشنواره بود و اعتراض الناز شاکردوست بازیگر این فیلم، حاشیه آغاز این رخداد. دیروز وزیر ارشد نسبت به آنچه در حاشیه و متن فیلم «بی بدن» رخ داد واکنش نشان داد. محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه مراسم اعطای قلم مقدس در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره حواشی فیلم «بی بدن» و راه ندادن هنرمندان به جشنواره

